

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

انجنیر محمد هاشم رائق - امریکا

۲۵ اگست ۲۰۱۴

سریال دوقوچ جنگی

ازین سریال بوی خون به مشام می رسد همچوز هریست که ملت را به جام می رسد

در گوشه این دنیای پرتلاطم و پر جنجال در آن دور دست ها آنطرف اوقیانوس ها و جنگل ها در منطقه کوهستانی نزدیک به بلند ترین قله های پر برف کوه های شامخ و سر به فلک کشیده.

در آنجائی که حیوانات اهلی گوسفند ها، بزها و انواع واقسام حیوانات عاجز و بی غرض دور از جمع حیوانات وحشی زندگی را دنبال می کردند و در طول سال های سال قرار بر این بود که سرخیل و سرکرده این ها توسط حیوانات نیمه وحشی، و وحشی خارج از سرحدات به طور پنهانی و خصوصی تعیین می شد و باشندگان این دیار یک زندگی بخور و نمیر اما در فضای آرام و بدون دغدغه به سر می بردند.

از قضای روزگار طوری آمد که به اثر مداخله وحشیان مداخله گر نظام صلح و سلم این دیار بر هم خورد. بعد از برخورد های پی در پی و خونریزی های متواتر چنان یاری کرد تا این حیوانات بتوانند اقل در ظاهر سرخیل و سرگله خویش را خود انتخاب کنند. اما از این که در عقب پرده چه دستهای ستمگر و متجاوز در کار است به خدا معلوم. بالاخره بعد از جار و جنجال متواتر و بگو و نگو های نا مفهوم دو قوچ جنگی به میان آمدند و شاخ به شاخ شدند و مدت هاست با هم شدیداً می جنگند. تا این که از سرزمین حیوانات شاخدار قلبه گاوی به منظور رهنمائی و دادن هدایت لازمه رهسپار آن خطه شد. همه از تشریف آوری این مشکل کشا مسرور شدند و در مقابل این "گاوزور" سراطاعت و تسلیم فرو آوردند و هر آنچه او فرمود بدون کوچکترین تردید قبول کردند و با هم سر آشتی گذاشتند. و شاخ هارا مانند شمشیرها در غلاف کردند و طبق هدایت داده شده به کار پرداختند. قوچها حیوان نیمه وحشی و نیمه اهلی اند به جنگ و زور آزمائی تمایل خاص دارند، و از عقل و منطق متأسفانه یک کمی فاصله دارند اگر طوری واقع شود که در مقابل آئینه بزرگی قرار گیرند و در آن تصویر خود را ببینند چون خود را نمی شناسد، فکرمی کند قوچ دیگری مقابلش قرار دارد دفعتاً با شاخ های پیچاپیچ بزرگش به آئینه حمله ور گردیده و آنرا ذره ذره می کند.

این دو قوچ صرف خود رامی خواهند و به آرزوی رسیدن به اهداف خویش می باشند نه در فکر گوسفندان و بزها و دیگر حیوانات خورد و ریزه دیگر، اگر تمام دنیا با همه دارو نداردش زیر ثم های این وحشیان خورد و ریزه شوند

پروا ندارند. چند حیوان مقام طلب و استفاده جو "ستاد" دور هر کدام جمع شده اند و به این جنگ دامن می زنند و هردو قوچ را ترغیب می کنند. هردو قوچ مست و سرشار از غرور و خودخواهی در فکر دیگران نیستند. زندگی روز به روز خراب و خرابتر می شود، ناتوانی، بیچارگی دامنگیر همه است. حلقه فعالیت های مبارزاتی قوچانه روز به روز تنگ تر شده می رود و باز نزدیک بود شاخ به شاخ شوند که باز گاو بزرگ "بانگ" زد و آهنگ آمدن دوباره کرد. باز خود را رساند و این بار مانند سابق نبود. درسفر اول هردو قوچ را "دلاسا" کرده بود. اما این مرتبه هر دو را تهدید کرد و گفت اگر باهم اتفاق نکنید برای من بسیار آسان است که یک قوچ سوم را استخدام کنم. قوچ ها از این حرف ترسیدند و گفتند: «نی صاحب ما باهم یکجا کار می کنیم شما مطمئن باشید.» معلوم نیست این سریال دامنه دار تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟ فکر می شود نسبت به سریال "حنا" و "دولهن" و حتی از سریال "مرا ببخش" طولانی تر است و ختم آن به خداوند معلوم است و بس.

تبصره:

امیدوارم از این که، این دو حیوان بی عار را با قوچ تشبیه نموده ام، کمیته های حمایت از حیوانات بر من خرده نگیرند چه به هیچ صورت قصد توهین قوچ را نداشته و ندارم.

۵. ر.